

فیت مت پرامون لاندیم
پروم پندی

الیکارشی

یا

خاندانهای حکومتگرایان



مظفر فیروز

مهره دوم

۱۲

همینکه قوام السلطنه از مسکو برگشت با حل دشواریها کارها بروفق مراد داشت پیش میرفت مظفر میرزا بفکر راه کوتاهی افتاد که شاید با يك ضربه فنی کار را یکسره کند ، درست مثل نصرت الدوله پدرش که بعد از شکست قرارداد ۱۹۱۹ بدنبال کودتا رفت اونیز اینراه را پیش گرفت . او نقشه کودتا را بدقت کشید و همینکه از سیمرخ (اوکی) گرفت ، شروع به پیاده کردن نقشه گذاشت . هر کودتا نیاز بیک شخصیت نیرومند نظامی دارد همکار فیروز دداین کودتا کی بود ؟

پرنس فیروز از مدتها پیش یکی از شخصیت های پرکار و با استعداد و لایق ارتش را زیر نظر داشت بجهت خویشاوندی نزدیک با او بسیار دوست شده بود .

سرلشکر رزم آرا وجه اشتراك زیادی با فیروز داشت مثل اوزیرك ، سیاست پدشه بسیار خودخواه ، ماکیاویلیست ، قدرت دوست و جاه طلب بود . ما نمیخواهیم مثل دیگران با شتابزدگی در مورد رزم آرا شتابزدگی کنیم شناخت رجالی مثل رزم آرا نیاز به پژوهش وسیع ، بررسی عمیق ، سر فرود کردن به رازها و دست یافتن به اسناد و آرشیو های سیاسی بویژه وقت زیاد و فرصت مناسب لازم دارد .

در اینجا ما فقط بجهت قرار گرفتن وی در برابر مطالب و مسائل سیاسی از او یاد میکنیم .

فیروز و رزم آرا

بعد از کودتای افسران خراسان بسال ۱۳۲۴ بهنگام اشغال نظامی ایران از سوی بیگانگان وشکست وفرار وزوال آنان با پیشگیری بموقع و سختگیری بسیار شدید سرلشکر حسن ارفع رئیس ستاد ارتش ، مخالفان در صدد جلب افسران متواری و تبعیدی برآمدند رزم آرا ومظفر فیروز سیاست نزدیکی با آنانرا پیش گرفت اینچنین در جبهه باصلاح چپو راست (رزم آرا ، ارفع) بوجود آمد ، بنابراین با خطوط مشخصی که در سیمای رزم آرا بوجود آمده بود او بهترین کسی برای اجرای نقشه نظامی کودتا بود .

پسر همان نصرت الدوله ایکه برای رسیدن بقدرت مطلق چه خدمت هائی به احمد شاه وسپس رضاشاه کرد . بالرد گرزن قرارداد بست که خودجای پادشاه نشیند مظفر نیز ولیعهد باشد (۱)

حالا این پرنس ماکیاویلیست دستمال غمگساری بدست گرفته است و برای جلب لیدرهای قجری حزب توده وسایر خاندانهای متنفذ سیاسی (حمید

۱ - مجله منطق شماره ۱۰ (من عضو انتلیجنت سرویس در ایران

بودم) .

میرزا پسر محمد حسن میرزا ولیمهد) را کاندیدای پادشاهی می کند ، با رعایت تمام جزئیات دست بکار کودتا میشود .

در این سالها سرلشکر حسن ارفع رئیس ستاد ارتش بود که بعدها در سال ۱۹۶۴ م یادداشتهای سیاسی خود را بزبان انگلیسی درلندن بچاپ رسانید پس بهتر است قلم بدست رقیب نیرومند این جبهه بدهیم بقیه نقشه کودتا را از یادداشتهای او بخوانیم .

دیدیم که سناتور فرخ (فیروز رامنزمفکر کابینه قوام معرفی کرد قوام میگفت فیروز یعنی من) سرلشکر ارفع نیز مظفر را همه کاره سیاسی پسر معتمدالدوله میداند و مینویسد مظفر فیروز مرا از رأس ستاد ارتش برداشت با معرفی وپیشنهاد من به سرلشکر یزدان پناه وزیر جنگ سرلشکر آق اولی بجای من قرار گرفت (۱)

اما چطور شد سرلشکر رزم آرا رئیس ستاد شد به توطئه سیاسی فیروز گوش کنید (رزم آرا در جولای ۱۹۴۸ رئیس ستاد ارتش ایران شد ایرج اسکندری بعد ها درباره رسیدن رزم آرا به این مقام و نقشه مظفر فیروز بیکی از دوستان من درپاریس چنین شرح میدهد :

بعد از بازگشت قوام از مسکو و تشکیل دولت ائتلافی ... روزی بعد از پایان جلسه هیأت دولت مظفر فیروز از سه نفر وزیران کمونیست عضو کابینه خواست برای کار مهمی به دفتر او بروند .

بعد از حضور ما در دفتر فیروز وی از کوشو میزش کلام الله مجید را بیرون آورد و گفت من یک مطلب سری و مهم سیاسی را میخواهم با شما در میان گذارم ، شما باید به قرآن قسم بخورید این مطلب (سکرت) بماند و کسی از آن با خبر نشود. وزیران کمونیست پاسخ دادند : ما کمونیست هستیم نیاز به سوگند به قرآن نداریم. وانگهی ما اعضای کمیته مرکزی حزب توده هستیم و نمیتوانم مطلب مهم سیاسی را با کمیته درمیان نگذاریم ، فیروز قرآن را در کوشو میزش جای داد و سپس گفت :

His political Factotum.

گرچه من الان با قوام همکاری میکنم ولی قوام يك سياستمدار کهنه فکر و مرتجع است بدرد نمیخورد ما بایستی از موقمیت استفاده کنیم بطور مطلق قدرت را بدست گیریم ، خودرا از دست قوام و سایر رجال مرتجع و اشراف برهائیم .

کمونیستهای گفتند : چگونه میشود چنین کاررا کرد ؟ مظفر گفت بایک کودتای نظامی . آنان توضیح خواستند : ازچه راه میتوان کودتای نظامی کرد ؟ ارتش در دست ما نیست ما فقط سه نفر هستیم که با اتفاق توجهار نفر بیش نیستیم .

فیروز پاسخ میدهد : با قرار دادن سر لشکر رزم آزا در رأس ستاد ارتش ایران !! وزیران توده ای میگویند سر لشکر رزم آزا يك شخصیت مرتجع است و بدتر از سر لشکر ارفع می باشد .

فیروز میگوید : نه بهیچوجه ، شما اشتباه میکنید او کاملا در دست من است هرچه من بگویم سر لشکر رزم آزا انجام خواهد داد .

قرار براین شد مظفر نزد قوام برود از سر لشکر آق اولی رئیس ستاد بدگویی کند ، او را در مدیریت و فرماندهی افسر ضعیفی معرفی نماید و بگوید با اینکه سر لشکر ارفع از کار برکنار شده و در زندان است ارتش در دست او و دوستان اوست تنها کسی که میتواند به نفوذ ارفع در ارتش خاتمه دهد سر لشکر رزم آراست او باید رئیس ستاد شود .

وزیران کمونیست نیز قول دادند موضوع را در کمیته مرکزی مطرح کنند و از سوی دیگر برای روی کار آوردن رزم آرا فعالیت نمایند .

کمیته مرکزی حزب توده نظر فیروز را در اینمورد قابل اعتماد ندانست نتیجه گیری شد شاید نقشه فیروز این باشد که با دست سر لشکر رزم آرا بخواهد حزب توده را از میان بردارد . قرار براین شد نمایندگان حزب نزد قوام بروند بی آنکه کسی را نامزد ستاد بکنند بر کناری سر لشکر آق اولی را بخواهند و اگر قوام رزم آرا را کاندیدا کرد معلوم است استنباط آنان درست بوده است .

(مانده دارد)